جناب پایداری! ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه؟

محمد زعیم‌زاده
جانشین سردبیر

قاسم روانبخش عضو شاخه ارتدوکس جبهه پایداری چهار ماه قبل از انتخابات مجلس دوازدهم از شورای نگهبان خواسته است نمایندگانی که مخالف صیانت بوده‌اند را ردصلاحیت کند. این اظهارنظر از چند جنبه قابل تأمل است. روانبخش در میان اعضای پایداری از جهتی کارکرد نمادین دارد. او معمولا مواضعی که سایر هم‌گروهی‌ها یا همفکرانش در خلوت می‌گویند یا سعی می‌کنند در جلوت کمی زرورق پیچ شده بگویند، لخت و عریان به زبان می‌آورد، لذا از جهت صداقت قابل تحسین و البته خالص بودن مواضع قابل تحلیل است.

اول: نکته اول درمورد این گزاره این است که بد نیست بدانیم وسط جنگ تعیین‌کننده غزه و مسائل مهم منطقه‌ای، دغدغه جمعی از نمایندگان و یک گروه سیاسی، فشار سیاسی به شورای نگهبان است. این خود برای تحلیل عملکرد جریانی که مدعی عدالت و استکبار ستیزی و... است قابل تأمل است.

دوم: اینکه یک فعال سیاسی چهار ماه مانده به انتخابات دغدغه انتخاباتی داشته باشد اتفاق عجیبی نیست اما راستای این دغدغه هم مهم است. بسیاری از دلسوزان کشور بعد از حوادث تلخ پاییز ۱۴۰۱ مهم‌ترین موضوع سیاسی کشور را بازگرداندن فرآیندهای سیاسی از کف خیابان به صندوق رای و موضوع مشارکت می‌دانند اما دغدغه یک گمده سیاسی حتی اگر در بیانیه‌های رسمی حرف دیگری بزنند، چیزی است که دقیقا نقطه مقابل این راهبرد است. برخی از مردم وسط این بازی اسم و فامیل جریان‌های سیاسی ازجمله اصولگرایان، درمورد اصل حضور در انتخابات سوال دارند اما دغدغه آقایان ردصلاحیت رقباست. ظاهرا مدل مطلوب آقایان این است که یک مشارکت ۵ تا ۱۰ درصدی داشته باشیم تا حضورشان در مجلس تضمین شود، حالا مملکت هر طور هم که شد، شد.

سوم: مطالبه رد صلاحیت رقبا چهار ماه مانده به انتخابات یعنی نه مشارکت مساله این جریان است نه رقابت. این جریان رقابت را دوست ندارد، حوصله رقابت هم ندارد، ترجیحش این است که شورای نگهبان ریشه رقبا را از بیخ بکند. این یعنی ساده‌سازی و ترویج رانت. تجویز ساده‌سازی و رانت هم در سیاست فقط از تفکری برمی‌آید که خودش هم برساخته همین فضا باشد.

چهارم: فرض کنیم یک تفکر سیاسی موافق فیلترینگ و محدودسازی‌های فرهنگی و سیاسی است. این نه در دنیا و نه در ایران اتفاق عجیبی نیست اما یک نماینده استاندارد و یک جریان استاندارد سیاسی به‌طور طبیعی باید برای پیشبرد چنین ایده‌ای چه بکنند؟ احتمالا پاسخ این است که مبانی نظری رسیدن به چنین سیاستی را روشن توضیح بدهد، ایده‌های جریان رقیبش را بشنود، هر دو را در منظر قضاوت مردم بگذارد و آخر سر منتظر باشد تا مردم بین دیدگاه او و رقیب یکی را انتخاب کنند. بعد از انتخاب مردم هم رای را هرچه که بود بپذیرد. خب حالا به متن فرمایش جناب روانبخش برگردید. احتمالا با استفاده از قاعده «تعرف‌الاشیاء باضدادها» می‌توانید ویژگی‌های یک جریان استاندارد را متوجه شوید.

پنجم: همزمان با مطالبه جناب روانبخش یکی از نماینده‌های دیگر مجلس که اتفاقا هم‌مشرب و هم‌رای همان جریان هم هست، در اظهارنظری قابل‌تأمل به پشت‌صحنه اقتصادی فیلترینگ اشاره کرده و صریحا می‌گوید همان‌ها که فیلتر می‌کنند، فیلترشکن هم می‌فروشند. من نمی‌خواهم این را به‌عنوان یک گزاره قطعی در نظر بگیرم اما بالاخره به‌عنوان یک احتمال، جناب روانبخش خوب است بگوید نسبت مطالبه‌اش با این پشت‌صحنه اقتصادی چیست؟

ششم: باز هم به همان ماجرای نماینده استاندارد برگردیم. جناب روانبخش به‌عنوان حامی فیلترینگ که دستورالعمل صادر کرده است تا همه مخالفان پشت الک استصواب بمانند، در یک‌سالگی صیانت اعمالی و فیلترینگ اینستاگرام و... خوب است به‌عنوان نماینده مجلس از دستگاه‌های ذی‌ربط بخواهد میزان افول استفاده از سکوهای مسدودشده، میزان افزایش فروش فیلترشکن، میزان افزایش دسترسی نوجوانان و جوانان با فیلترشکن به محصولات غیراخلاقی و... را گزارش دهد و آن را به‌عنوان دستاورد عملی حامیان فیلترینگ اطلاع‌رسانی کند.

هفتم: جناب روانبخش نسخه رتوش‌نشده تفکری خاص است اما بالاخره گاهی سیاسی‌کاری هم می‌کند. مثلا در همان متن خواسته است مخالفان شفافیت هم ردصلاحیت شوند. نگارنده و احتمالا بیشتر روزنامه‌نگاران همه موافق شفافیت هستیم، اما خوب است جناب نماینده توضیح بدهد مگر می‌شود از یک طرف موافق فیلترینگ و مسدودکردن دسترسی‌های مردم به اطلاعات بود و از طرف دیگر برای شفافیت گریبان چاک داد؟

پنجشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

درخواست ردصلاحیت منتقدان برخی طرح‌های مجلس از سوی یک گروه سیاسی کمک به حامیان تحریم انتخابات است

همه مخالفان مشارکت و رقابت در انتخابات

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

شاید بتوان نقطه هدف ناآرامی‌های سال گذشته، یعنی موضع‌گیری رسانه‌های براندازان خارج‌نشین درباره اتفاقات پاییز را ضربه جدی به اعتماد عمومی مردم نسبت به ساختار حکمرانی دانست. فضاسازی و روایت‌سازی‌ها در جریان ناآرامی‌های سال گذشته نقطه تمرکز را روی ضربه به اعتماد عمومی گذاشته بود. بر همین مبنا اتفاقات پاییز و هر آنچه را تکمیل‌کننده پازل آن اتفاقات باشد می‌توان در چهارچوب ضربه به اعتماد ملی صورت‌بندی کرد. اهمیت وارد کردن خدشه به اعتماد عمومی مردم آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به این امر توجه کنیم که قرار است انتخاباتی در پایان سال برگزار شود و با مساله مهمی مثل مشارکت عمومی مواجه هستیم. امری که اگرچه در تمام دوره‌های برگزاری انتخابات حائز اهمیت و توجه بوده، اما ضریب اهمیت آن برای انتخابات اسفند و با توجه به وقایع سال گذشته، چندبرابر شده است. در همین چهارچوب می‌توان هر اقدام و اظهارنظری که منجر به وارد کردن خدشه تازه‌ای به اعتماد عمومی شود، تکمیل‌کننده پازل اهداف و اتفاقات سال گذشته دانست. در وقایع پاییز این امر به‌وضوح مشخص بود که جریان براندازو درکنار آن برخی چهره‌های سیاسی تند منصوب به اصلاح‌طلبان به‌دنبال این بودند که از بستر اعتراضاتی که به‌اغتشاش کشیده شد، اهداف سیاسی خود مبنی بر ضربه به نظام حکمرانی کشور را محقق کنند. امری که اگرچه در تحقق آن موفق نبودند اما برای اثبات آن به‌دنبال این هستند که مشارکت در انتخابات پیش‌رو با کاهش قابل‌توجهی همراه شود. علاوه بر اینکه این کاهش مشارکت در انتخابات دوره قبل مجلس نیز قابل مشاهده بود و با توجه به نارضایتی‌هایی که در مسائل اقتصادی و تورم کالاهای اساسی مثل مسکن و خودرو ایجاد شده، این نگرانی از جانب کارشناسان و تحلیلگران مطرح می‌شود که مشارکت در انتخابات پیش روی مجلس، امری است که باید به آن توجه ویژه نشان داد.

افزایش مشارکت با برگزاری انتخابات استاندارد صورت می‌گیرد

شاید بتوان یکی از مولفه‌ای اصلی را که بر افزایش میزان مشارکت تاثیر قابل‌توجهی دارد برگزاری انتخابات استاندارد دانست. البته لازمه آن این است که اقشار مختلف مردم حس کنند که رقابتی میان احزاب و جناح‌های سیاسی وجود دارد؛ امری که می‌توان گفت وجود آن تا انتخابات سال ۹۸ میان گروه‌ها و اقشار مختلف مردم احساس می‌شد و پس از آن سیری نزولی پیدا کرد و این حس رقابت میان مردم در انتخابات ۱۴۰۰ کمرنگ شد و می‌توان گفت اساسا وجود نداشت. نکته دیگری که به‌نوعی نقش موثری بر ایجاد حس رقابت میان مردم و گروه‌های مختلف می‌گذارد، نوع مواجهه و برخورد نهادها و ساختارهای حاکمیت نسبت به نقش‌آفرینی و حضور طیف‌ها و احزاب سیاسی در انتخابات است. تکرار این گزاره از جانب برخی سلایق سیاسی مبنی بر اینکه شورای نگهبان با نظارت استصوابی مانع حضور برخی افراد و شخصیت‌ها در انتخابات می‌شود، به‌شکل پررنگ‌تری خود را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نشان داد و نداد پاسخ قانع‌کننده به افکار عمومی در این رابطه، نقش قابل‌توجهی بر کاهش حس رقابت میان مردم در انتخابات گذاشت. این روزها و در شرایطی که برخی لزوم دقت‌نظر و توجه شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها و ارائه پاسخ قانع‌کننده درصورت عدم احراز صلاحیت‌ها برای جلوگیری از تاثیرگذاری منفی بر افکارعمومی می‌گویند، برخی اظهارنظرهای نسنجیده، بدون درنظرگرفتن شرایط و اوضاع فعلی کشور به چنین امری آسیب می‌زند. اظهارنظرهایی که به‌نظر می‌رسد به جهت تسویه حساب‌های سیاسی و برای حذف رقبای درون‌جناحی مطرح می‌شود اما شرایط بررسی صلاحیت‌ها را برای شورای نگهبان سخت کرده و درواقع شورا را در موقعیتی از پیش بازنده قرار می‌دهد و این گزاره را نسبت به بررسی صلاحیت افراد و شخصیت‌ها در شورای نگهبان ایجاد می‌کند که بررسی‌ها صرفا با سفارشات و اظهارات اینچنینی صورت می‌گیرد و امری سلیقه‌ای است.

فقدان رقابت‌های انتخاباتی بر سر ایده‌های حکمرانی

در سمت دیگر ماجرا و علاوه بر نقش موثر گروه‌های در چهارچوب قانون اساسی، فعالیت احزاب و جناح‌های سیاسی نیز می‌تواند نقش موثری در افزایش میزان مشارکت داشته باشد. در این بین نمی‌توان اجماع‌های سیاسی که معمولا در روزهای نزدیک به انتخابات‌ها اعلام موجودیت می‌کنند یا احزابی را که وقتی احتمال باخت می‌دهند عملا شکست را پیش از مشارکت و حضور فعال می‌پذیرند در افزایش مشارکت سیاسی مردم موثر دانست. آنچه لازمه افزایش مشارکت فعال مردم در انتخابات است، حضور احزاب و جناح‌های سیاسی با گفتمان و ایده مشخص و به‌دنبال همراه کردن بخشی از مردم جامعه با ایده‌ها و نظرات خود و درکنار آن رقابت برای پیروزی برقرار است. از طرفی رقابت صرف برمبنای دعواهای سیاسی را نمی‌توان چندان قابل‌توجه و بااهمیت دانست، در همین چهارچوب نه کشمکش‌های سیاسی میان جناح‌های اصولگرا در قالب احزاب نواصل‌گرا- مثل مبناوجبهه پایداری‌ها و شریان- و نه اختلافات سیاسی میان احزاب اصلاح‌طلب- مثل کارگزاران و اعتدال و توسعه با اتحاد ملتی‌ها و مشارکتی‌ها- می‌تواند تاثیر قابل‌توجهی بر افزایش مشارکت موثر در عرصه سیاسی داشته باشد. شاید بتوان گفت زمانی این رقابت‌ها و کشمکش میان احزاب و جناح‌های سیاسی تاثیرات مثبت به همراه خواهد داشت که رقابت‌ها بر سر ایده‌های مختلف حکمرانی کشور صورت بگیرد؛ امری که هم فضای سیاسی کشور را از رخوت خارج می‌کند، هم به مجالی برای تضارب آرا و بحث پیرامون ایده‌های مختلف حکمرانی تبدیل خواهد شد.

مدافعان تحریم انتخابات و کاهش مشارکت

اگر آنچه می‌تواند بر افزایش میزان مشارکت در انتخابات اسفند تاثیر بگذارد را یک سمت ماجرا بدانیم در سمت دیگر نیز گروه‌ها و افرادی وجود دارند که تلاش می‌کنند نقش موثری در کاهش مشارکت مردم در انتخابات ایفا کنند. خط مقدم این فعالان ضد مشارکت، براندازها و تجزیه‌طلبان قرار دارند. امری که در روزهای ناآرامی خیابان‌های ایران در پاییز ۱۴۰۱ نیز از جانب افراد و چهره‌های موسوم به این گرایش‌ها دیده می‌شد. کاهش میزان مشروعیت نظام در میان افکار عمومی، ایجاد چنددستگی میان مردم و خدشه وارد کردن به چیزی که نمادی از وحدت ملی باشد، در همین چهارچوب و با همین هدف از جانب براندازها صورت‌بندی می‌شد و تلاش شده تا این‌طور القا شود که مردم دیگر تمایلی برای مشارکت در ساختار نظام سیاسی فعلی ندارند. گروه دیگری که از ایده تحریم یا عدم مشارکت در انتخابات صحبت به میان می‌آوردند، افراد و چهره‌های سیاسی در داخل کشور بودند که برخی از آنها تنها به جهت اینکه صلاحیت‌شان برای ورود به عرصه رقابت انتخابات، مورد تایید قرار نگرفت، به یکباره ژست اپوزیسیون گرفتند و از ایده تحریم انتخابات حمایت کردند. برخی دیگر نیز احزاب سیاسی اصلاح‌طلب با گرایش‌های تندروانه بودند که در ایده تحریم انتخابات با دیگر هم‌حزبی‌های خود به چالش خوردند. این افراد که بیشتر در میان اتحاد ملتی‌ها و مشارکتی‌ها دیده می‌شوند و حالا نیز در جبهه اصلاحات سکان‌دار ریاست آن هستند، این گزاره را مطرح می‌کردند که دیگر با حضور در انتخابات و ساختار حکمرانی، نمی‌توان نقش موثری در جامعه ایفا کرد و می‌بایست در وهله اول انتخابات را تحریم و بعد از آن به‌دنبال پیدا کردن پایگاه اجتماعی از طریق ارتباط گرفتن با اقشار مختلف مردم بود. ایده‌ای که البته همچنان در حد شعار باقی مانده است، اما در گزاره ابتدایی یعنی تحریم انتخابات، موفق‌تر عمل کرده و اگرچه از اعلام رسمی تحریم انتخابات طفره می‌روند اما سعی می‌کنند در برخورد سرد با انتخابات و مطرح کردن این جمله که ما توصیه‌ای به حضور در انتخابات نمی‌کنیم به نحوی این امر را محقق کنند. در سمت دیگر این تقسیم‌بندی گروه‌ها و افرادی قرار دارند که مخالف برگزاری انتخابات نیستند، اما کاهش مشارکت را رمز پیروزی خود در انتخابات می‌دانند و در همین راستا تلاش می‌کنند تا صرفا قشر و بخش خاصی از جامعه را برای مشارکت در انتخابات راضی نگه دارند. اگر ما جرا را از این قاب نگاه کنیم، دیگر مطرح شدن اظهاراتی مانند آنچه کارشناس زنده تلویزیونی یا همان عضو یک حزب تازه‌تاسیس اصولگرا مطرح می‌کند چندان تعجب‌برانگیز به نظر نمی‌رسد و در این میان نیز اهمیتی ندارد که بخشی از جامعه نسبت به مطرح شدن این اظهارات چه خواهند گفت یا چه نظری خواهند داد. در کنار این امر نیز مطرح شدن اظهاراتی مانند آنچه عضو جبهه پایداری درباره ردصلاحیت برخی از نمایندگان فعلی مجلس به خاطر مخالفت با برخی از لوایح مطرح می‌کند نیز در همین چهارچوب قرار می‌گیرد. قاسم روانبخش، عضو جبهه پایداری در آخرین یادداشتی که در اپلیکیشن ویراستی منتشر کرده، می‌نویسد: «امیدواریم شورای نگهبان، نامزدهایی که در تراز انقلاب اسلامی نیستند را تایید نکنند. برخی از نمایندگان فعلی نیز با مجلس انقلابی نسبتی ندارند! انتظار این است کسانی که با سوءاستفاده از جایگاه خود مانع تصویب طرح‌های مهم شفافیت و صیانت از کاربران فضای مجازی و عفاف و حجاب شده‌اند، ردصلاحیت شوند.» در این میان برای افرادی که این اظهارات را مطرح می‌کنند این گزاره از اهمیت برخوردار نیست که شورای نگهبان با اظهارات اینچنینی تحت فشار افکار عمومی قرار می‌گیرد و چنانچه برخی از نمایندگان فعلی مجلس که اتفاقا مخالف هر یک از این طرح‌ها بودند با دلایل دیگر ردصلاحیت شوند، این شائبه برای افکار عمومی ایجاد می‌شود که تنها به خاطر مخالفت با یک طرح ردصلاحیت شدند. به‌نظر می‌رسد دعوای چند وقت اخیر این افراد تنها بر سر واژه انقلابی و انقلابی‌تر است و تمرکز افراد نزدیک به جبهه پایداری بیشتر بر حذف افرادی که است در دسته‌بندی انقلابی‌تر آنها قرار نمی‌گیرند و آنچه برای آنها از اهمیت نزدیک به صفر برخوردار است، ضربه‌ای است که اظهارات اینچنینی به افکار عمومی و تمایل آنها برای افزایش مشارکت در انتخابات اسفند وارد می‌کند؛ چراکه آنها پیروزی خود را در چهارچوب مشارکت طیف خاصی از جامعه تحلیل می‌کنند.

عباس سلیمی‌نمین، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تحریم‌کنندگان و تحدیدکنندگان انتخابات در آسیب زدن به مشارکت یکپارچه عمل می‌کنند

فرهیختگان

اظهارات قاسم روانبخش، نماینده جبهه پایداری این روزها باضریب زیادی در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود. او در مطلبی از شورای نگهبان خواسته بود تا مخالفان طرح‌های صیانت، شفافیت و عفاف و حجاب را رد صلاحیت کند. این اظهارات که به وضوح در آن حق نمایندگان مردم در استفاده از جایگاه خود برای اندیشیدن به قوانین مختلف، اظهارنظر کردن درمورد آن و نهایتا رای دادن را زیر پا گذاشته است می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی بخش‌هایی از جامعه نسبت به صندوق رای شده و میزان مشارکت را نیز پایین بیاورد. برای بررسی دلایل و تبعات طرح چنین اظهارنظرهایی با عباس سلیمی‌نمین، کارشناس مسائل سیاسی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. سلیمی‌نمین معتقد است: «تحریم‌کنندگان و تحدیدکنندگان انتخابات با دو رویکرد مختلف در آسیب زدن به مشارکت در انتخابات یکپارچه عمل کرده و با هم رابطه تنگاتنگ دارند.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

برخی اظهارنظرهایی که بوی اعمال محدودیت در انتخابات می‌دهد و از جانب اشخاص سیاسی منتسب به جناح‌های مختلف مطرح می‌شود چقدر می‌تواند روی اعتماد مردم به صندوق رای و مشارکت آنها در انتخابات تاثیر منفی بگذارد؟

همان‌گونه که از نام انتخابات برمی‌آید افراد مختلف باید بتوانند طبق سلایق خودشان انتخاب بکنند. طبعا برای رقم زدن چنین شرایطی نیاز به سعه صدر فراوانی وجود دارد. امروز شرایط کشور به‌گونه‌ای است که می‌تواند سلایق مختلف را حول محور منافع ملی سامان بدهد، یعنی از این جهت نمی‌توانیم نگرانی جدی را به جامعه پمپاژ کنیم که سلایق متفاوت غیرقابل کنترل هستند. دوره‌ای در کشور شرایطی وجود داشت که جای چنین نگرانی‌هایی بود اما امروز چنین نگرانی جایی ندارد. بنابراین سلایق مختلف می‌بایست در جامعه برای رقم زدن مشارکت جدی به صحنه بیایند. به صحنه آمدن این سلایق قطعا الزاماتی را می‌طلبد. یکی از آنها ساختار انتخاباتی است که باید حتما نگاه وسیعی داشته باشد، به‌ویژه در شرایط کنونی که ما بیش از گذشته در کانون توجه قرار گرفته‌ایم. مسائل فلسطین باعث شده تا ملت‌ها در قسمت‌های مختلف جهان نگاه ویژه‌ای به ما داشته باشند و ما را نقطه امید خودشان می‌پندارند. طبیعتا وقتی در کانون توجه قرار گرفتیم باید متناسب با چنین موقعیتی هم عمل کنیم. متاسفانه ما برخی افراد و جریانات را در کشور داریم که فهمی از این معنا ندارند. بسیار محدود می‌اندیشند و سعی می‌کنند حوزه رقابت را هم محدود کنند. چون خودشان ظرفیت اجتماعی لازم را برای انتخاب شدن ندارند. کشور را متناسب با ظرفیت نداشته خودشان تنظیم می‌کنند. طبیعی است که دیدگاه‌های این افراد چهره نامربوطی را ترسیم می‌کند. البته درست است که این افراد تاثیر منفی دارند اما ملاک سنجش نیستند. ملاک سنجش همان اصول چهارگانه‌ای است که رهبر انقلاب مطرح کردند؛ یعنی مشارکت، امنیت، سلامت و رقابت. طبیعتا ما برای افزایش مشارکت باید از همه سلایق کاندیدا داشته باشیم. نمی‌توانیم از همه مردم توقع داشته باشیم فقط به یک سلیقه رای دهند.

طبیعی است که پذیرفتن اصل مشارکت با رقابت بسیار رابطه تنگاتنگی دارد. باید انتخابات رقابتی داشته باشیم کما اینکه تا الان داشته‌ایم اما بعضی افراد حرف‌هایی می‌زنند که صرفا به تبلیغات چی‌ها بهانه می‌دهد والا کسانی که می‌خواهند کشور را ارزیابی کنند صرفا نگاه یک سری افراد محدودنگر را در نظر نمی‌گیرند اما تبلیغات چی‌هایی که دشمن ایران هستند و پول می‌گیرند که علیه چهره ایران که در کانون توجهات قرار گرفته فعالیت کنند به دنبال همین آدم‌ها هستند. گرچه جای تاسف دارد که فردی اینقدر کوته‌نگر باشد اما نباید به اظهارات این افراد خیلی ابعاد داد؛ ابعاد دادن به اظهارات اینها باعث دامن زدن به بلندگوهای تبلیغاتی می‌شود که بعضا توسط رژیم صهیونیستی علیه کشور هدایت می‌شوند.

به نظر شما این‌گونه اظهارات، شورای نگهبان را برای بررسی صلاحیت‌ها تحت فشار قرار نمی‌دهد. به این معنی که افرادی که با دلایل متقن و منطقی رد صلاحیت می‌شوند نیز بعدها اظهارات نامربوط این افراد را دستاویزی برای حمله به شورای نگهبان قرار داده و مدعی می‌شوند دلایل سیاسی علت رد صلاحیت آنها بوده است؟

این حرف نامربوطی است که یک نفر زده و خواهان این است که شورای نگهبان مطابق سلیقه وی عمل کند. البته ما هم آزادیم که آرزو داشته باشیم شورای نگهبان این آدم‌ها را اصلا به مجلس راه ندهد چون اینها اصلا فهم حاکمیتی ندارند. افرادی مثل آقای روانبخش نه موقعیت ایران را در داخل و نه در موقعیت بین‌المللی درک می‌کنند لذا خواسته‌هایی را مطرح می‌کنند که فاقد فهم مسائل گوناگون است. اما شورای نگهبان قطعا هم نباید به خواسته‌های ما توجه کند و هم نباید به خواسته‌های امثال روانبخش عمل کند. شورای نگهبان باید در چهارچوب اصولی که قانون برایش مشخص کرده عمل کند. البته این مطالبه وجود دارد که شورای نگهبان نسبت به گذشته شفاف‌تر عمل کرده و دلایل خودش را برای عدم احراز صلاحیت بگوید. این دوره با توجه به اینکه فرصت بیشتری داشته باید بتواند بر شفافیت عملکرد خودش بیفزاید. بنابراین حرف‌هایی که زده می‌شود گرچه تلخ است اما ناشی از عدم درک و فهم افراد نسبت به جایگاهی است که در آن قرار دارند. این افراد برای محافل و سلایق محدود آدم‌های مناسبی محسوب می‌شوند اما در سطح حکمرانی خیر چراکه این افراد هیچ فهمی از مسائل حاکمیت ندارند، منتها ما نباید کاری بکنیم که به حرف‌های سست و بی‌اساس این افراد ضریب بخشیده و زمینه تبلیغات شبکه‌های معاند را فراهم کنیم. ما باید کاری کنیم که هیچ‌کدام از گروه‌های ضد و مشارکت اعم از تحریمی‌ها و تحدیدی‌ها نتوانند آسیب بزنند. البته اینها با دو رویکرد مختلف در آسیب زدن به مشارکت در انتخابات یکپارچه عمل کرده باهم رابطه تنگاتنگ دارند. یعنی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که مشارکت کاهش پیدا کند. اگر خوراکی برای شبکه‌های معاند تولید نشود طبیعتا شرایط بهتری خواهیم داشت. چه کسانی این خوراک را تهیه می‌کنند؟ افرادی مثل آقای روانبخش. ما باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که این قیچی دو لبه نتوانند ایفای نقش کند. شبکه‌های بیرونی که توسط صهیونیست‌ها اداره می‌شوند اگر اظهاراتی نظیر آنچه آقای روانبخش گفته است را نداشته باشند کارشان رونق نمی‌گیرد. ما باید دقت کنیم که حرف‌های بی‌اساس چنین افرادی ضریب داده نشود. اگر ضریب ندهیم خیلی تاثیر نخواهد داشت و جامعه از کنارش می‌گذرد. من تاثیر این اظهارات بر اعمال فشار به شورای نگهبان را رد نمی‌کنم. شورای نگهبان نیز متشکل از تعدادی انسان است.

چگونه می‌توان جلوی این تاثیرات منفی را گرفت. آیا عدم درک از منافع ملی می‌تواند در معیارهای ارزیابی صلاحیت کاندیداها مورد توجه قرار گیرد؟

چگونه می‌شود این مساله را بر طرف کرد و از تاثیراتش کاست؟ امر قابل تاملی است. جامعه و رسانه‌ها نیز می‌توانند از شورای نگهبان بخواهند برای افرادی که فهم حاکمیتی ندارند امتیاز منفی قائل شود اما شورای نگهبان براساس قانون چهارچوبی دارد که باید با دقت به آن عمل شود. اما اینکه کسی فاقد فهم حاکمیتی ارزیابی شود سلیقه‌ای است و چهارچوب مشخصی برای تشخیص آن وجود ندارد. با این وجود ما باید بر این موضوع تاکید کنیم که علاوه بر چهارچوب‌های قانونی نماینده باید یک فهم دقیق از حاکمیت و حکمرانی داشته باشد والا می‌تواند تاثیرات منفی بر فضای افکار عمومی و پیشبرد سیاست‌های کشور بگذارد. لذا باید در بحث‌هایی که در رسانه مطرح می‌شود این مطالبه را از شورای نگهبان داشته باشیم که برای این افراد یک امتیاز منفی هم قائل باشند. من معتقدم این افراد حق قانونی دارند که در امور سیاسی مشارکت کنند و ما نباید آرزوی انفعال و حذف آنها را داشته باشیم. ما نمی‌توانیم با نگاه استبدادی عمل کنیم و حق همه سلایق در تعیین سرنوشت‌شان را نادیده بگیریم. اما در عین حال زمانی که جامعه می‌خواهد به چنین افرادی نمره و امتیاز بدهد باید فاکتور مهم فهم مسائل حکمرانی را نیز در نظر بگیرد. شورای نگهبان را هم باید دعوت کنیم به اینکه این ویژگی و خصوصیت را یکی از مبانی ارزیابی‌های خودش قرار بدهد.

نسبت چنین اظهاراتی با بیانات رهبر انقلاب چیست؟

رهبر انقلاب مبانی‌ای برای انتخابات تعیین کردند که این مبانی درست در نقطه مقابل آرزوهای افرادی مثل آقای روانبخش است. رهبری زمانی که مشارکت را طلب می‌کند طبیعتا باید رقابت در درونش وجود داشته باشد. مشارکت بدون رقابت حرف سستی خواهد بود. اینها گرچه ادعا می‌کنند که در مسیر رهبری گام برمی‌دارند اما فهم‌شان محدود است. به هیچ‌وجه قدرت فهم مشی رهبری را ندارند، لذا حرف‌هایی را می‌زنند که در تعارض مستقیم با فرمایشات رهبری است. ما اگر می‌خواهیم انتخابات پیش‌رو متناسب با موقعیت امروز کشور باشد و دشمنان نتوانند تاثیری در این مسیر داشته باشند باید حتما یک انتخابات مشارکتی بالا داشته باشیم. انتخاباتی که تجلی بخش اراده ملت باشد.

دلایل طرح چنین اظهاراتی چیست؟ آیا ممکن است این اظهارات که منافع ملی را قربانی می‌کند ریشه در منفعت‌طلبی‌های سیاسی داشته باشد؟

اینها گروه‌های شاخصی نیستند. آدم‌های محدودنگری هستند. وقتی کسی محدودنگر باشد به سرعت از یک حرف متفاوت احساس خطر می‌کند چون خودش فرد کوچکی است طبیعتا می‌خواهد همه مناسبات را هم کوچک کند. آدم‌هایی که وسعت نظر دارند در مواجهه با دیدگاه‌های مختلف به نحوی متفاوت‌تر از افرادی عمل می‌کنند که ظرف وجودی‌شان کوچک است و یک قطره می‌تواند آن را متلاطم کند. نه ظرفیت فکری بالایی دارند، نه فهم درستی از مناسبات بین‌المللی دارند و جایگاه ایران امروز را نمی‌توانند بفهمند. البته نمی‌توانیم بگوییم اینها حق حیات سیاسی ندارند. اینها هم حق حیات سیاسی متناسب با سلیقه خودشان را دارند اما ما نباید حرف اینها را به‌گونه‌ای بازتاب دهیم که جلوی خطوط ترسیم‌شده توسط رهبری را بگیرد و در درک این خطوط ایجاد اخلال کند به‌ویژه که برخی نیز به دنبال این هستند که به بهانه‌ای این خطوط ترسیم‌شده را تحت‌الشعاع قرار بدهند و ما نباید بگذاریم چنین اتفاقی بیفتد.